

نوع مقاله: ترویجی

## بررسی و مقایسه مفهوم اراده از دیدگاه روان‌شناسان و اندیشمندان مسلمان

مجید قندی زاده / کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

ghandizadeh.majid@gmail.com

orcid.org/0000-0001-9175-2790

jahangirzademr@gmail.com

محمدرضا جهانگیرزاده قمی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵

دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷

### چکیده

براساس آموزه‌های اسلامی، انسان با قدرت اراده می‌تواند جانشین خداوند بر روی زمین شود و به مقام قرب الهی دست پیدا کند؛ اما در صورتی که بی‌اراده گردد، آنچنان نزول می‌کند که حتی از حیوانات نیز پست‌تر می‌شود. اندیشمندان اسلامی در باب چیستی اراده و چگونگی دستیابی به آن، مطالب گسترده و متفاوتی را ذکر کرده‌اند. از سوی دیگر بعد از شکل‌گیری روان‌شناسی علمی در سال ۱۸۷۹، این مفهوم در میان روان‌شناسان نیز مورد بحث قرار گرفت؛ برخی آن را پذیرفته و به بحث از چیستی و چگونگی آن پرداختند و برخی دیگر بکل آن را غیرعلمی دانسته و کنار گذاشتند. این گسترده‌نگاری دیدگاه‌ها سبب شد تا به بررسی مفهوم اراده از دیدگاه روان‌شناسان و اندیشمندان مسلمان پرداخته شود؛ و از آنجا که تاکنون مقایسه‌ای میان مفهوم اراده از منظر آنان انجام نگرفته، هدف این پژوهش شناسایی مفهومی اراده و مؤلفه‌های آن از منظر این دو گروه و سپس مقایسه بین آنهاست. روش این پژوهش کیفی است و به شیوه جمع‌آوری داده با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام می‌شود؛ سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا به مؤلفه‌شناسی و مقایسه بین مؤلفه‌ها در هر دو گروه پرداخته می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده حکایت از وجود شش مؤلفه توانایی روانی، مهار خود، میل و گرایش، توانمندی رفتاری، تصمیم‌گیری و رفتار هوشمند از منظر روان‌شناسان دارد که می‌توان آنها را در سه بُعد شناختی، هیجانی و رفتاری جای داد؛ درحالی‌که مفهوم اراده از دیدگاه اندیشمندان اسلامی دارای چهار مؤلفه علم، میل و گرایش، ترجیح و تصمیم‌گیری است.

**کلیدواژه‌ها:** اراده، قدرت اراده، مفهوم‌شناسی، نظریه‌های روان‌شناسی، اندیشمندان اسلامی، اندیشمندان مسلمان.

## مقدمه

از گذشته‌های دور مفهومی تحت عنوان «اراده» در قالب اشعار، قصاید و داستان‌های حماسی در متون ادبی، فلسفی و دینی مطرح بوده است (موسوی خمینی، ۱۳۶۲، ص ۶؛ بوعمارن، ۱۳۸۲، ص ۱۶). گرچه بسیاری از دانشمندان مسلمان وجود آن را بدیهی و بی‌نیاز به اثبات می‌دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۵۸، ص ۱۰۴؛ صدرالمآلهین، ۱۴۲۸ق، ج ۶، ص ۲۸۵)؛ لکن شناخت ماهیت آن را دشوار و پیچیده در نظر گرفته بودند (همان، ج ۴، ص ۱۱۳). با شکل‌گیری روان‌شناسی نوین در سال ۱۸۷۹م، این مفهوم با تغییر و تحولاتی روبه‌رو گردید. عده‌ای چون فروید که مکتب روان‌تحلیل‌گری را بنا گذاشتند، اساساً آن را منکر شده و مفهوم سائق را جایگزین آن کردند (مارشال ریو، ۱۳۸۶، ص ۲۸). آنها معتقد بودند اغلب رفتارهای انسان از اهداف او سرچشمه نمی‌گیرند؛ بلکه تحت تأثیر گذشته قرار دارند (فیست و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹۳). رفتارگرایان رادیکال نیز اراده را به اتهام غیرعلمی بودن، رد کردند (میشل و آیدوک، ۲۰۰۴، ص ۹۹)، آنها معتقد بودند رفتار انسان از عمل ارادی ناشی نمی‌شود؛ بلکه مانند هر پدیده قابل مشاهده‌ای، به‌صورت قانونمند تعیین می‌شود (فیست و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۶۷۴). علاوه بر این روان‌شناسان، افراد دیگری نظیر می، آدلر، فروم، موری، مزلو و کیلی از اراده سخن به‌میان آورده‌اند (ر.ک: امیری، ۱۳۹۶). همان‌طور که مشاهده شد، بحث از اراده ابتدا در میان مباحث فلسفی و زیرمجموعه علم‌النفس، از قرن سوم هجری ظهور و نمو داشته است؛ اما بعد از تأسیس روان‌شناسی در سال ۱۸۷۹م، پژوهش‌های گسترده‌ای درباره اراده و مفاهیم هم‌افق با آن در روان‌شناسی انجام شده است.

اراده در آثار بسیاری از دانشمندان مسلمان، نظیر ابن‌سینا، فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، ملاصدرا (برنجکار، ۱۳۸۴)، امام خمینی<sup>ع</sup> علامه طباطبائی و آیت‌الله مصباح یزدی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این زمینه کتاب *طلب و اراده* (موسوی خمینی، ۱۳۶۲) به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در مواجهه با این بحث در تدریس علم اصول، با نگاهی ژرف به بررسی ریشه‌های فلسفی، عرفانی و روایی اراده پرداخته است و ارتباط آن را با موضوع جبر و تفویض، سعادت و شقاوت ذاتی و موجبات آنها تحلیل کرده است.

کتاب *تحریر الاختیار: شرحی بر رساله طلب و اراده امام خمینی<sup>ع</sup>* (خمینی و همکاران، ۱۳۹۸) نیز به رشته تحریر درآمده است. کتاب *روان‌شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی* (حجتی، ۱۳۷۳) در یک فصل مستقل در زمینه موضوع اراده از منظر غزالی و سایر اندیشمندان اسلامی نکاتی را مطرح کرده است. کتاب *موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم* (تهانوی، ۱۹۹۶)، تحت واژه «اراده» و کتاب *همت و اراده* (اسماعیلی، ۱۳۸۹) معانی مختلف آن را از علوم مختلف نقل کرده‌اند. مقاله «بررسی اراده از دیدگاه متکلمین و فلاسفه اسلامی» (سلیمانی، ۱۳۸۴)، تلاش نویسنده آن است که دیدگاه‌های مختلف کلامی و فلسفی در مورد معنای اراده انسان را ارائه کرده و سپس با بررسی جایگاه اراده در فرایند شکل‌گیری فعل ارادی، معنای مناسبی میان معانی مطرح‌شده انتخاب کند. مقاله «اراده‌گرایی، به‌مثابه مبنایی برای علم دینی در نظریه فرهنگستان علوم اسلامی» (موحد ابطحی، ۱۳۹۰)، نویسنده رویکرد فرهنگستان علوم اسلامی را در رابطه با «علم دینی» به‌اجمال بیان می‌کند و سپس یکی از اصلی‌ترین مبانی آن، یعنی «اراده‌گرایی» را با روش تحلیلی بررسی کرده و به برخی از اشکالات وارد بر آن پاسخ می‌دهد. پایان‌نامه *بررسی تطبیقی اراده و اختیار انسان از دیدگاه امام خمینی<sup>ع</sup> و علامه طباطبائی* (کاملی، ۱۳۸۸) به این موضوع پرداخته است. مقاله «تأثیر خانواده، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت انسان از منظر امام علی<sup>ع</sup>» (علایی و سالاری، ۱۳۹۳) نیز به این موضوع پرداخته است.

همان‌طور که مشاهده شد، هیچ پژوهشی که به بررسی تطبیقی مفهوم اراده در گستره روان‌شناسی و اسلامی بپردازد، یافت نشد؛ لذا این پژوهش با هدف تحلیل مفهوم اراده در گستره دانش روان‌شناسی و مقایسه آن با مفهوم اراده در نظریات اندیشمندان مسلمان، با رویکرد کیفی و با استفاده از شیوه جمع‌آوری داده به‌صورت کتابخانه‌ای انجام می‌شود؛ سپس داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند و در نهایت مفهوم اراده در گستره روان‌شناسی و نظریات اندیشمندان مسلمان، مؤلفه‌بندی و سپس با یکدیگر مقایسه می‌شوند. این اثر زمینه شکل‌گیری پژوهش‌های بیشتر در مدل‌پردازی اراده براساس منابع اسلامی را فراهم می‌کند.

## ۱. اراده در لغت و اصطلاح

اصطلاح Volition در زبان فارسی به اراده، اختیار و خواست (حق‌شناس و دیگران، ۲۰۰۵، ص ۱۸۶۹) و اصطلاح will به معنای اراده کردن، خواستن (همان، ص ۱۹۱۳) و will power به معنای اراده، قدرت اراده و نیروی اراده (همان، ص ۱۹۱۴) ترجمه شده است. همچنین، اراده در لغت فارسی به معنای خواستن، خواست، خواسته، خواهش، میل، قصد و آهنگ است (دهخدا، ۱۳۷۳). در زبان انگلیسی Will را عمل، فرایند یا تجربه اراده کردن و volition را قدرت انتخاب یا تعیین و اقدامی برای انتخاب یا تصمیم‌گیری تعریف کرده‌اند (لغت‌نامه مریام وبستر، ۲۰۰۸).

انجمن روان‌شناسی آمریکا اراده (will) را ظرفیت یا توانایی‌ای که انسان به کمک آن می‌تواند، علی‌رغم تأثیرات بیرونی، به انتخاب بپردازد و رفتار خود را تعیین کند، معرفی کرده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۸۲۴) و volition را قابلیت که براساس آن، فرد تصمیم می‌گیرد دست به عمل خاصی بزند، به‌ویژه هنگامی که این امر بدون تأثیر بیرونی مستقیم روی داده باشد، توصیف کرده است. نویسندگان این کتاب می‌گویند این اصطلاح، مجموعه‌ای تعیین‌کننده از فعالیت‌ها در خصوص خویشتن را دربر می‌گیرد؛ مانند انتخاب و تصمیم، خویشتن‌داری، عمل عمدی و ارائه پاسخ پویا (نه منفعل) در برابر رویدادها (همان، ص ۱۸۱۵).

فرانک برونو اراده را استعداد ذهنی می‌داند که فرد را قادر می‌کند که آگاهانه انتخاب کند. انتخاب از میان چند چیز، دست‌زدن به اقدام مثبت یا اقدام بازدارنده همگی قدرت‌هایی هستند که به‌طور سنتی آنها را به اراده مربوط می‌دانند. وی در این مورد یک مثال نیز ذکر می‌کند: مری بارها تلاش کرده سیگارکشیدن را ترک کند؛ ولی چندان توفیقی به‌دست نیاورده است. یک بار به دوستش می‌گوید: «گمانم قدرت اراده چندان ندارم». این گفته نشان می‌دهد که مری وجود اراده را می‌پذیرد. در ضمن نشان می‌دهد که اراده او در انجام دادن اقدامی بازدارنده، یعنی مقاومت در برابر میل به سیگار، ضعیف است (برونو، ۱۳۸۴، ص ۳۶).

ساعتچی نیز اراده را یک تصمیم هوشیارانه می‌داند که نسبت به یک عمل انجام می‌شود؛ یا به‌عهد گرفته‌ای عمل خاص به‌منظور مقاومت در تعقیب یک هدف یا فعالیت، علی‌رغم موانع یا اثرات پیریشان‌کننده است (ر.ک: ساعتچی، ۱۳۹۳).

ربر و همکاران اراده را به‌طور کلی، توانایی درونی و شخصی برای تعیین آزادانه انتخاب یا عمل می‌دانند. از نظر آنها اراده معمولاً به‌عنوان کشتی هشیارانه تعریف می‌شود که به‌موجب آن فرد تصمیم می‌گیرد رفتارهایی را انجام دهد و رفتارهای دیگری را انجام ندهد. آنها می‌گویند این معنا به‌ندرت امروزه در متون تخصصی استفاده می‌شود و مفاهیم زیربنایی آن در بعضی اصطلاحات دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند قصد و غایت (purpose)، اراده (volition) و آزادی (freedom) (ربر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳۵). همچنین اراده را ترتیب پیچیده‌ای از احساس‌های جنبشی و تصورات که همراه با هدف ادراک شده یا در نتیجه اعمال یا افکار شخص روی می‌دهند، دانسته و آن را به روان‌شناسان درون‌نگر نسبت می‌دهند (همان، ص ۱۰۲۶).

کراس و میشل (۲۰۱۰) قدرت اراده را عبارت از توانایی فرد برای مهار تعمدی افکار، احساسات و کنش‌ها دانسته‌اند؛ *اسریباد* (۲۰۱۰) جلوگیری از غلبه یک میل در مقام عمل را قدرت اراده معرفی کرده است. *ساسون* (۲۰۰۹) قدرت اراده را سبب آن می‌داند که فرد با وجود مقاومت درونی یا موانع بیرونی، توان پایداری برای عمل کردن را به‌دست آورد.

ورتنبورک و همکارانش (۲۰۰۸) معتقدند که نظریه اراده، نشان‌دهنده انطباق تکاملی است که انسان را قادر می‌سازد از نظر عقلانی هوشمند رفتار کند و مسئولیت و آگاهی او را در رفتار هوشمندانه نشان دهد. لذا مطابق با نظر آنها، اراده به معنای توانایی انسان برای انجام اعمالی است که می‌تواند رفتار هدفمند تولید کند.

*بونژه و آردیلا* اراده آزاد را اراده‌ای با انتخاب آزادانه هدف، همراه یا بدون پیش‌بینی پیامد احتمالی آن می‌دانند. آنها در توضیح این تعریف می‌گویند: «ما می‌گوییم یک رفتار یا فرایند ذهنی را وقتی می‌توان آزادانه دانست که صرف‌نظر از اینکه مستقل از شرایط پیشین باشد (تصادفی)، یا محرک حسی آن را به‌طور کامل کنترل کند، فقط از درون هدایت شود و به‌طور مشخص تر، تحت کنترل فرایندهای مفهومی باشد. حتی می‌توانیم فرض کنیم که تنها زمانی یک حیوان با اراده آزاد عمل می‌کند که: الف. رفتار او اختیاری باشد (نه اینکه رفتار او بدون علت یا متأثر از یک نیروی خارجی باشد)؛ ب. در تعیین هدفش، آزاد باشد؛ یعنی در کسب هدف تعیین شده، از هیچ اجبار برنامه‌ریزی شده یا خارجی تأثیر نپذیرد» (بونژه و آردیلا، ۱۳۹۹، ص ۵۰۸).

## ۲. اراده در نظریه‌های روان‌شناسی

بررسی روند شکل‌گیری یک موضوع در گستره تاریخی، و بررسی آن در روند تحول آدمی و نیز در پهنه شاخه‌های مختلف یک دانش، علاوه بر نشان دادن پیشینه تاریخی آن و اشراف بر کلیت موضوع، از بروز برداشت‌های نادرست از یک موضوع جلوگیری می‌کند؛ لذا از آنجاکه مفهوم اراده حدود یک قرن فراز و نشیب را در حوزه روان‌شناسی طی کرده است (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵، ص ۷۳)؛ برای روشن‌تر شدن روند شکل‌گیری این مفهوم در گستره تاریخی، موضوع اراده را از نگاه مکاتب برجسته روان‌شناسی بررسی می‌کنیم.

## ۳. اراده در نظریه ساخت‌گرایی

ساخت‌گرایی با تأسیس آزمایشگاه روان‌شناسی تجربی به‌وسیله ویلهلم وونت که فردی آلمانی تبار بود، در سال ۱۸۷۹م به‌عنوان نخستین مکتب روان‌شناسی مطرح گردید (جمعی از مولفان، ۱۳۸۰، ص ۸۴). وونت عقیده داشت ضعف تجربه‌گرایی آن است که به فرایندهای ارادی تأثیرگذار بر افکار که به آنها شکل، کیفیت، یا ارزشی را بدهند، اهمیت نمی‌دهد (هرگنهان، ۱۳۸۹، ص ۳۵۱). لذا وی معتقد بود اراده مفهومی اساسی است که تمام مسائل عمده در روان‌شناسی باید براساس آن شناخته شوند. انسان‌ها می‌توانند در مورد چیزی که باید به آن توجه شود و بنابراین به‌روشنی درک شود، تصمیم بگیرند. علاوه بر این، او معتقد بود اغلب رفتارها و توجه‌گزینی برای هدفی صورت می‌گیرد؛ یعنی چنین فعالیت‌هایی با انگیزه هستند. نامی که وونت روی رویکرد خود به روان‌شناسی گذاشت، اراده‌گرایی بود و این به‌خاطر تأکید آن بر اراده، انتخاب و هدف بود (همان). تضادی که در آثار وونت مشاهده می‌شود آن است که با وجود اراده‌گرا بودن وونت، می‌توان جبرگرایی را آثار وی مشاهده کرد. دلیل این امر آن است که وی باورداشت در پس تمام اعمال ارادی، قوانین ذهنی وجود دارد که بر محتویات هشیاری تأثیر می‌گذارند. به عقیده او قوانین فعالیت ذهنی را فقط می‌توان با در نظر گرفتن واقعیت استنباط کرد و از این نظر، روان‌شناسی که آنها را مطالعه می‌کند، مانند تاریخ‌نویس است (همان، ص ۳۶۰). این سخن نشان می‌دهد که او همه‌چیز را از پیش نوشته‌شده می‌داند که روان‌شناس صرفاً آن را بازخوانی می‌کند.

## ۴. اراده در نظریه کارکردگرایی

کارکردگرایی یک مکتب فکری مشخص با یک رهبر مورد تأیید یا روشی که درباره آن توافق شده باشد، نیست؛ ولی می‌توان یکی از افرادی که خود را کارکردگرا می‌دانست و در مورد موضوعات مشترکی که در این مکتب مطرح شده، نظریه‌پردازی کرده است را ویلیام جیمز دانست (همان، ص ۴۳۴). وی اراده را در واقع همان باور می‌داند؛ لذا می‌گوید: «اراده و باور که به‌طور خلاصه به معنای یک رابطه خاص میان اُبژه‌ها و «خود» هستند، در واقع دو نام برای یک پدیده روانی‌اند» (می، ۱۳۹۵، ص ۲۸۰، به نقل از: جیمز، ج ۲، ص ۳۲۱). جیمز برای حل مشکل اراده و تبیین آن، عبارتی استثنایی را به‌کار برده است و آن «ناگهان در یافتن» است (می، ۱۳۹۵، ص ۲۸۱).

## ۵. اراده در نظریه روان‌تحلیل‌گری

فریود به‌عنوان سردمدار مکتب روان‌تحلیل‌گری، با غیرعلمی دانستن آزادی روانی، نابودی اراده را در پیش گرفت. وی معتقد بود که باور عمیق آزادی روانی و انتخاب، کاملاً غیرعلمی است و باید در برابر دعوی جبرگرایی حاکم بر زندگی روانی عقب‌نشینی کرد (فریود، ۱۹۳۸، ص ۹۵). او رفتارهای انسان را نشئت‌گرفته از اراده نمی‌دانست؛ بنابراین مفهوم سائق را جایگزین اراده کرد (مارشال ریو، ۱۳۸۶، ص ۲۸) و باورداشت که اغلب رفتارهای انسان به‌جای آنکه تحت تأثیر اهداف کنونی وی باشند، توسط گذشته تعیین می‌شوند (فیست و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹۳). اما حقیقت آن است که گرچه فریود اراده را انکار کرده؛ اما به‌گونه‌ای دیگر آن را در میان نظریه خود جای داده است؛ آنجاکه وی در رابطه با حل تعارض موجود بین تکانه‌های «نهاد» و خواسته‌های «فرمان» صحبت می‌کند و نهاد را منبع امیال تکانشی و فرمان را جنبه‌ای از معیارهای ارزشمند و متعالی معرفی می‌کند، از نیروی سومی تحت عنوان «من» سخن به میان می‌آورد که کار آن مدیریت تعارض بین نهاد و فرمان است و این یکی از ویژگی‌های مهمی است که فیلسوفان باستان در کارکرد اراده و زمینه تعارض عقل و وسوسه بیان کرده‌اند (رک: کراکلانسکی و کوپتزر، ۲۰۱۰، ص ۲۹۷). رابرت نایت که یکی از روان‌تحلیل‌گران متأخر است که می‌گوید: آزادی انتخابی که انسان آن را تجربه می‌کند، هیچ ربطی به اراده آزاد به‌مثابه قانونی که بر رفتار انسان حاکم است، ندارد؛ بلکه تجربه‌ای ذهنی است که خود از لحاظ علمی

دوستانش بگوید تا در صورت انجام رفتارهای خلاف این تصمیم، با شرمندگی و انتقاد روبه‌رو شود. روش دیگر تقویت خود است. در این روش فرد به سبب انجام دادن رفتارهای مطلوب و خوشایند، خودش را تقویت می‌کند (شولتز و شولتز، ۱۴۰۰، ص ۵۰۶). همان‌طور که مشاهده شد، رفتارگرایان، اراده را به‌عنوان فعالیتی درون‌روانی در نظر نمی‌گیرند؛ بلکه صرفاً قائل به رفتارهایی هستند که می‌تواند سبب تغییر محرک‌های بیرونی و در نتیجه تغییر رفتار شود.

#### ۷. اراده در نظریه انسان‌گرایی

آبراهام مزلو و کارل راجرز از پایه‌گذاران روان‌شناسی انسان‌گرا هستند (هرگنهان، ۱۳۸۹، ص ۷۲۴ و ۷۳۳). گرچه مفهوم اراده به‌روشنی در نظریه انسان‌گرایی مطرح نشده است؛ اما از آنجاکه انسان‌گرایان مباحثی را درباره هسته اصلی شخصیت انسان، نیازها و مؤلفه‌های ماهیت انسان و به‌ویژه درباره «خود» مطرح کرده‌اند؛ می‌توان موضوع اراده را از نگاه آنان بررسی کرد. مزلو نگاهی خوش‌بینانه و انسان‌گرا به شخصیت انسان دارد و بر همین اساس به‌جای بحث از بیماری، به سلامت روان‌شناختی؛ به‌جای بحث از رکود، به بحث از رشد؛ و به‌جای بحث از ضعف‌ها و محدودیت‌ها، به فضیلت‌ها و استعدادها پرداخته است. مزلو معتقد بود انسان‌ها می‌توانند حتی با وجود عوامل زیستی و سرشتی منفی، اراده آزاد خود را شکل دهند (شولتز و شولتز، ۱۴۰۰، ص ۴۰۷ و ۴۰۸).

#### ۸. اراده در نظریه پیائزه

به اعتقاد پیائزه (۱۹۶۷) اراده در خلال دوران کودکی میانی، به‌صورت عملیاتی درمی‌آید. در حدود هشت یا نه سالگی، وقتی کودک با همسالان خود، ارتباط زیاد دارد، با تعارض‌هایی مواجه می‌شود. در هرکدام از این تعارض‌ها، یک طرف، کشاننده‌های زیستی است که پیائزه آنها را از لحاظ اخلاقی، فرودست دانسته و در طرف دیگر، افکار مرتبط با رفتار متناسب قرار دارد که پیائزه آنها را از لحاظ اخلاقی، فرادست به‌شمار آورده است. از نظر پیائزه، اراده عبارت از آن چیزی است که وضعیتی را فراهم می‌کند تا کودکان به‌جای عمل کردن طبق تکانه‌های فرودست خود، براساس افکار اخلاقی فرادست‌شان رفتار کنند (نیمیک و همکاران، ۲۰۱۰).

از پیش تعیین شده است (رابرت نایت، ۱۹۴۶). رولو می در تعریف اراده می‌گوید: اراده عبارت است از ظرفیت سازمان‌دهی «خود» فرد تا حرکت در «جهتی خاص» یا «به‌سوی هدفی معین» اتفاق بیفتد (می، ۱۳۹۵، ص ۲۷۶).

#### ۶. اراده در نظریه رفتارگرایی

روان‌شناسان رفتارگرا معتقدند که بیش از حد به مفهوم اراده پرداخته شده است (برونو، ۱۳۸۴، ص ۳۶)؛ تا جایی‌که آن را افسانه پنداشته‌اند. اسکینر به ارزش خودآگاه و دیگر فرایندهای ذهنی تنها زمانی توجه داشت که برای مفهوم تقویت نیاز می‌شدند. او استدلال می‌آورد که ما برای فهم طبیعت انسان باید از ارزش‌های منسوخ‌شده فراتر برویم (بامستر و تایرنی، ۱۳۹۷، ص ۱۷). بنابراین وی به اتهام غیرعلمی بودن، موضوع اراده را رد کرد (میشل و آیدوک، ۲۰۰۴، ص ۹۹). او معتقد بود رفتار انسان از عمل ارادی ناشی نمی‌شود؛ بلکه مانند هر پدیده قابل مشاهده‌ای به‌صورت قانونمند تعیین می‌شود (فیست و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۶۷۴)؛ این قوانین خارج از موجود زنده قرار دارد (ر.ک: اسکینر، ۱۳۹۱، ص ۲۱) و درون انسان، چیزی به‌عنوان پردازش، کشاننده یا دیگر فعالیت‌های درونی وجود ندارد که رفتار او را تعیین کند (شولتز و شولتز، ۱۴۰۰، ص ۳۹۰). به نقل از: اسکینر، ۱۹۸۳). اسکینر برای کنترل رفتارهای خود، چندین روش را مطرح کرده است؛ اولین روش، اجتناب از محرک است. در این روش فرد، رفتارش را با دور کردن از یک محرک خارجی تأثیرگذار بر عملکردش کنترل می‌کند. به‌طور مثال اگر فرد یا موقعیتی سبب عصبانی شدن او می‌شود، وی با اجتناب از آن، می‌تواند تأثیر آن شخص یا موقعیت را بر رفتارش کاهش دهد. یا مثلاً فردی که الکل مصرف می‌کند، می‌تواند با دور ریختن تمام بطری‌های الکل، اراده کند که دیگر آن را مصرف نکند. روش دوم، دل‌زدگی خودگردان است. از طریق این روش افراد می‌توانند با انجام بیش از حد یک رفتار، خودشان را از انجام آن خلاص کنند. روش سوم تحریک آزارنده است. در این روش فرد به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که اگر برخلاف کاری که تصمیم به انجام یا ترک آن داشته، رفتار کند؛ موجب شرمندگی و شکست او شود. به‌طور مثال اگر فرد چاقی می‌خواهد اراده بر لاغر شدن داشته باشد، باید این تصمیم خود را به

## ۹. اراده در دیدگاه زیستی

اولین اشاره‌ها بر اینکه اراده، یک خاستگاه قطعی عصبی (اساساً در کورتکس پیشین) دارد، زمانی مطرح شد که در میانه دهه ۱۹۳۰م بیماران که بخشی از بافت سفیدرنگ مغزی بین تالاموس و هیپوتالاموس آنان برداشته شده بود، مورد مطالعه قرار گرفتند. مطالعات نشان داد که این بیماران، تمامی توانایی‌های ذهنی خود را داشتند؛ اما توان تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی را از دست داده بودند؛ بخش مغزی مربوط به کنترل ارادی این بیماران از طریق جراحی برداشته شده بود. بررسی‌های بعدی بر روی میمون‌ها و انسان‌ها نشان‌دهنده شمار فراوانی از نورون‌ها بود که با «محرک‌های حسی فعال نمی‌شدند؛ ولی هنگامی که حیوان دستش را باز می‌کرد یا در یک فضای کاملاً مشخصی می‌کوشید با دستش چیز مورد علاقه‌اش را بردارد، این نورون‌ها تا حد زیادی عمل می‌کردند» (بونژه و آردیلا، ۱۳۸۸، ص ۵۰۷).

پس از بررسی اراده در نظریه‌های روان‌شناسان و شناسایی عناصر تعریف، لازم است به‌منظور مقایسه نظریه آنها با نظریه اندیشمندان مسلمان، این عناصر در قالب مؤلفه دسته‌بندی شوند. بر این اساس می‌توان شش مؤلفه‌شناسایی کرد: عناصر استعداد ذهنی جهت انتخاب آگاهانه (برونو، ۱۳۸۴، ص ۳۶)، کنترل تعمدی افکار (ساعتچی، ۱۳۹۳)، پیش‌بینی پیامد احتمالی (کراس و میشل، ۲۰۱۰؛ بونژه و آردیلا، ۱۳۹۹، ص ۵۰۸) و سازماندهی خود (می، ۱۳۹۵، ص ۲۷۶). تحت مؤلفه توانایی روانی قرار می‌گیرند؛ دو عنصر تمایل انسان به اموری که در محدوده توانایی‌اش است (کراس و میشل، ۲۰۱۰) و کشش هشیارانه (مایکل، شودا و پیک، ۱۹۸۸) به‌عنوان زیرمؤلفه میل و گرایش قرار می‌گیرد. خویشتن داری (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۸۲۴)، توانایی مهار تعمدی احساسات و مقاومت در برابر وسوسه پاداش فوری (ربر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳۵)، زیرمؤلفه مهار خود؛ ظرفیت و توانایی انتخاب و تعیین رفتار (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۸۲۴)، توانایی درونی و شخصی برای تعیین آزادانه رفتار (ساعتچی، ۱۳۹۳)، توانایی پایداری برای عمل (کراس و میشل، ۲۰۱۰) و توان مهار تعمدی کنش‌ها (ورتنبروک و همکاران، ۲۰۰۸؛ نیمیک و همکاران، ۲۰۱۰، به نقل از: پیاژه) زیرمؤلفه توانمندی؛ تصمیم‌گیری جهت انجام عملی خاص و تصمیم جهت انجام یا ترک رفتار و تصمیم هشیارانه، زیرمؤلفه

تصمیم‌گیری؛ ارائه پاسخ پویا، به عهده گرفتن اعمال خاص به‌منظور مقاومت در تعقیب یک هدف یا فعالیت، رفتار هوشمندانه و هدفمند و رفتار براساس افکار اخلاقی نیز زیرمؤلفه‌ی رفتار هوشمند هستند. با توجه به وجود سه بعد شناختی، گرایشی و رفتاری در انسان، می‌توان مؤلفه‌های بیان‌شده را در این سه بعد دسته‌بندی کرد. منظور از مؤلفه‌های شناختی، آن دسته از مؤلفه‌هایی هستند که مربوط به شناخت‌های انسان بوده و برای ایجاد یا تقویت انگیزه برای رفتاری خاص به انسان بینش می‌دهد. این بعد شامل مؤلفه توانایی روانی است. بعد دیگر، بعد گرایشی است، که به معنای میل باطنی به انجام کاری است. لزوم وجود این بعد به آن جهت است که اصولاً کار ارادی بدون میل تحقق پیدا نمی‌کند، و این میل در شرایط ویژه‌ای نیز شکل می‌گیرد و پس از تشخیص و تعین پیدا کردن، به تحقق اراده در نفس منتهی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص ۴۲۱). این بعد نیز مؤلفه میل و گرایش را دربر می‌گیرد. اما بعد سوم، یعنی بعد رفتاری اشاره به فعالیت‌ها، پاسخ‌ها، واکنش‌ها، حرکات و کارکردهایی می‌شود که نمود عینی و خارجی دارد (ربر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵). این بعد در میان نظریات روان‌شناسان شامل مؤلفه‌های مهار خود، توانمندی، تصمیم‌گیری و رفتار هوشمند است.

با توجه به مؤلفه‌شناسی نظریات روان‌شناسان، حوزه معنایی اراده در متون روان‌شناسی معاصر با این موارد مشخص می‌شود: ۱. توانایی روانی که دارای دو بعد مهار و سازماندهی است؛ بعد کنترل فکر شامل کنترل افکار غیر هدفمند، و بعد ساختار شامل سازماندهی ساختار روانی انسان در راستای انجام رفتار هوشمند است. ۲. مهار خود؛ مؤلفه‌های این بعد از اراده، شامل خویشتن‌داری، توانایی مهار تعمدی احساسات و مقاومت در برابر وسوسه پاداش فوری است. ۳. میل و گرایش که شامل مؤلفه‌های گرایش به انجام اعمال در محدوده توانایی و کششی هشیارانه است. بنابراین اراده صرفاً در مرحله شناخت و رفتار نیست؛ بلکه در مرحله هیجان‌ات و کنترل آنها نیز مطرح است. ۴. بعد رفتاری که شامل توانمندی‌های رفتاری نظیر توانایی انتخاب رفتار، توانایی تعیین آزادانه آن، توان پایداری و مقاومت در عمل انتخاب شده و توانایی مهار تعمدی کنش‌ها در پاسخ به محرک‌های پیرامون است. ۵. رفتار فرد دارای اراده در مرحله تصمیم‌گیری و رفتار هوشمندانه نیز خودش را در قالب مؤلفه‌های تصمیم جهت انجام یا ترک رفتار و تصمیم در جهت

را از حیوانات متمایز می‌کند. دو معنای اول از اراده که بیان شد، ممکن است در حیوان غیر ناطق نیز وجود داشته باشد اما اراده‌ای که مخصوص انسان است همان اراده‌ای است که انسان را قادر به انجام کارهای نیک و بد می‌کند و او را سزاوار ستایش یا نکوهش می‌کند (فارابی، ۱۳۸۴، ص ۷۲). این تعریف‌ها نشان می‌دهد که نخستین فیلسوف‌های مسلمان، اصطلاح اراده را بیشتر به معنای مطلق میل و خواست به کار برده‌اند، تا عنصری درونی که به میل و خواست آدمی فعلیت می‌بخشد (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۴۱۰).

### ۱۰-۳. ابن‌سینا

ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ق) اراده را رغبتی می‌داند که به انسان کمک می‌کند به سمت عالم قدس الهی حرکت کند و به آن دست یابد. وی معتقد است این رغبت در پی تصدیق جازم، حاصل می‌شود؛ چه از طریق یقین برهانی و چه از طریق اعتقاد ایمانی به دست آید (ابن‌سینا، ۱۳۶۳، ص ۴۴۵). در جایی دیگر وی اراده را مبدأ فراهم‌آورنده می‌نامد؛ چراکه در مقام اراده، عوامل برانگیزاننده (اعم از ادراک و میل) با یکدیگر جمع شده و مقدمات صدور فعل را کامل می‌کند (ابن‌سینا، ۱۴۱۱ق، ص ۲۰). تعبیر ابن‌سینا از اراده به‌عنوان مبدأ فراهم‌آورنده، از این‌روست که در مقام اراده مواد انگیزش فاعل - اعم از ادراک و میل - با هم جمع می‌شوند و مقدمات صدور فعل را کامل می‌کنند و از اینجاست که برخی حکماً از اراده به «اجماع» نیز تعبیر کرده‌اند؛ صورت‌بندی این مطلب در نظام علی‌چنین است که اراده برابندی از گرایش‌های گوناگون در نفس است و ناگزیر باید میان اراده و مقدمات آن رابطه‌ی ضروری علیت برقرار باشد (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۴۱۰). ابن‌سینا معتقد است هر فاعلی در اراده خود چیزی را جست‌وجو می‌کند؛ لذا وجود غایت و هدف در هر حرکت ارادی، لازم است (ابن‌سینا، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۲۵). بنابراین مشخص می‌شود که هیچ اراده‌ای بدون هدف نیست؛ حتی حرکاتی که تصور می‌شود بدون قصد و به‌صورت عبث‌گونه انجام شده است، هدفمند است (ابن‌سینا، ۱۹۷۳، ص ۲۲).

### ۱۰-۴. ابن‌رشد

ابن‌رشد (۵۹۵-۵۲۰ق) اراده را شوقی می‌داند که برای انسان از یک نوع تخیل یا از تصدیق به شیء حاصل می‌شود؛ وی تصریح می‌کند

انجام یک رفتار خاص و همچنین ارائه پاسخ پویا، به‌عهده گرفتن اعمال خاص به‌منظور مقاومت در تعقیب یک هدف و رفتار براساس افکار اخلاقی را دربر می‌گیرد. بنابراین مشخص گردید که اراده در منابع روان‌شناسی یک مفهوم چندبعدی شامل ابعاد شناختی، هیجانی و رفتاری بوده که هر بعد خود شامل چندین مؤلفه است.

### ۱۰. اراده در آثار اندیشمندان مسلمان

به‌منظور مقایسه اراده در گستره روان‌شناسی با اراده از منظر اندیشمندان اسلامی، لازم است به بررسی این مفهوم از منظر افراد شاخص این حوزه پرداخته شود.

#### ۱۰-۱. کندی

کندی (۲۶۵-۱۸۳ق) اراده انسان را قوه‌ای نفسانی در نظر می‌گیرد که از موجود صاحب اراده که به آن سانح می‌گوید، صادر می‌شود و به عمل منجر می‌شود (کندی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۷۵). وی در جای دیگر اراده را به نیرویی تعریف می‌کند که به‌واسطه آن چیزی که قصد شده است، واقع می‌شود و از امور دیگر متمایز می‌شود (همان، ص ۱۶۸). به گفته وی اراده آن چیزی است که بعد از فکر کردن و تمیز دادن از بین چند چیز حاصل می‌شود (همان، ص ۱۶۷). براساس این تعریف، میان مفهوم اراده و مفهوم اختیار نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است و اختیار به نوعی از اراده اطلاق شده است که از تعقل نشئت می‌گیرد.

#### ۱۰-۲. فارابی

فارابی (۳۳۸-۲۵۷ق) بین اراده و اختیار تفاوت قائل شده؛ وی معتقد است علاوه بر آنکه انسان‌ها، کارهای ممکن را اختیار می‌کنند، می‌توانند بر ناممکن‌ها نیز اراده کنند (فارابی، ۱۳۷۱، ص ۱۸). فارابی اراده را دارای مراتبی می‌داند؛ به گفته او اراده مرتبط با قسمتی از وجود است که حس‌کننده است؛ در مرتبه بعد که نفس به مرحله تخیل وارد می‌شود، سبب پدید آمدن شوق می‌شود. اراده به معنای دوم، همین شوقی است که به‌دنبال اراده به معنای اول از تخیل انتزاع می‌شود. پس از حصول این دو اراده، نفس ناطقه مبادی شناخت عقلی را از عقل فعال کسب می‌کند و شوق نفس در این مقام، شوقی است حاصل از قوه ناطقه او. این شوق «اراده به معنای سوم» است که آن را «اختیار» نامیده‌اند. اراده به معنای سوم، انسان

از روی صفاتی که فعل ارادی خاصی داراست، می‌توان دربارهٔ فاعل آن و نوع اراده‌ای که به فعل داشته است، سخن بگوییم.

#### ۱۰-۷. ملاحادی سبزواری

ملاحادی سبزواری (۱۲۸۹-۱۲۱۲ق) اراده را صفتی می‌داند که صاحب آن را به یکی از دو طرف مقدمه سوق می‌دهد (سبزواری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۶۴۷). وی مبادی تصدیقی اراده را در سه قسم جای می‌دهد: قسم اول را تصدیق یقینی دانسته که تصدیق به خیرات عالم عقل است و آن را منشأ پیدایش اراده‌ای می‌داند که مخصوص مقربان است؛ درواقع آنها با این نوع از اراده، خیرات آخرتی را جذب می‌کنند. وی قسم دوم را تصدیق به خیرات محدود آخرتی در نظر گرفته است؛ یعنی خیراتی که به دلیل محدود بودن، ظنی به‌شمار می‌آید. لذا نام این قسم را تصدیق ظنی قرار داده است. او این قسم را مخصوص اصحاب یمین می‌داند که با این نوع اراده به سمت خیرات آخرتی حرکت می‌کنند و قسم سوم را تصدیق تخیلی ذکر می‌کند؛ یعنی تصدیق به خیرات دنیایی که به دلیل محدودیت و قابل زوال بودن، تخیلی نامیده می‌شوند. ملاحادی سبزواری این قسم را اختصاص به اصحاب شمال می‌دهد؛ چراکه آنها با این اراده، تمام همت خودشان را متوجه امور دنیایی می‌کنند (همان، ج ۳، ص ۶۴۸).

#### ۱۰-۸. علامه طباطبائی

در میان فلاسفهٔ معاصر، علامه طباطبائی اراده را کیفیت نفسانی می‌داند و آن را از شوق و علم متمایز می‌کند. درواقع ایشان برخلاف متکلمان، که اراده را از صفات فعل می‌دانند، آن را در ردیف علم، قدرت و حیات که از صفات ذات هستند، قرار می‌دهد. ایشان معتقد است اراده همواره مبتنی بر نوعی شعور و آگاهی است و انسان تنها زمانی فعلی را اراده می‌کند که کمال بودن آن را تشخیص دهد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۴۷۰). اما معرفت یا ادراک، علت ناقصه برای عمل است و می‌دانیم که عدم علت ناقصه، فعل را ضروری‌العمل می‌سازد؛ ولی وجود او معلول را ضروری‌الوجود نمی‌کند (همان، ج ۳، ص ۱۹۰)؛ بنابراین علامه طباطبائی تخلف از علم را ناشی از نوعی جهالت اختیاری می‌داند. به عقیده ایشان کسی که به زشتی گناه واقف است، اما با انگیزهٔ هوای نفس و دعوت شهوت یا غضب مرتکب عمل زشت می‌شود؛ در حقیقت، واقعیت امر بر او پوشیده مانده و کوران برخاسته در دلش، چشم عقلش را که میز بین خوبی‌ها و بدی‌هاست، پوشانده است. چنین کسی عرفاً جاهل نامیده می‌شود.

که تصدیق در اختیار ما نیست؛ بلکه توسط اموری که خارج از ماست بر ما عارض می‌شود. او برای روشن شدن بحث این‌گونه مثال می‌زند که اگر ما چیزی را که برای ما اشتهاآور است در خارج خود ببینیم، ضرورتاً و بدون اختیار به آن میل و اشتها پیدا می‌کنیم و به‌سوی آن حرکت می‌کنیم. از طرف دیگر زمانی که اتفاقی ترسناک رخ می‌دهد، بدون اختیار و به‌صورت اضطراری نسبت به آن کراهت پیدا می‌کنیم و از آن فرار می‌کنیم (ابن رشد، ۱۴۲۱ق، ص ۲۲۶).

#### ۱۰-۹. خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه نصیرالدین طوسی (۶۵۳-۵۷۹ق) اراده و کراهت را از اقسام کیفیت نفسانی، نوعی علم و ضد یکدیگر می‌داند؛ از نظر او اراده انسانی از شوق و عقل سرچشمه می‌گیرد (طوسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۱۱).

#### ۱۰-۶. صدرالمآلهین

صدرالمآلهین (۱۰۵۰-۹۷۹ق) اراده را از شئون نفس و از جمله کیفیات نفسانی می‌داند (صدرالمآلهین، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۱۳). وی معتقد است تعریف اراده به‌گونه‌ای که بتواند تصویری حقیقی از آن را ارائه دهد، دشوار است. لذا آن را همچون امور وجدانی دیگر می‌داند که شناخت جزئیات آن آسان اما شناخت ماهیت کلی آن پیچیده است (همان، ج ۶ ص ۳۳۷). وی اراده را شوق شدید به کسب مراد و جزء اخیر علت تامه می‌داند (همان، ج ۸، ص ۳۳۳). وی در جای دیگر می‌گوید «قدرت» حالتی نفسانی است که در آن صدور فعل و عدم صدور آن به‌شرط خواست ممکن باشد، این حالت در نفس حیوانی صفتی است امکانی که نسبت آن به وجود و عدم فعل برابر است. اراده عنصری است که چون مقدماتش فراهم آید و تحقق یابد، این نسبت را از صرف امکان بیرون می‌آورد و به یکی از دو جانب می‌راند. پس آنچه از این اراده حاصل می‌شود ناگزیر به حد وجوب و ضرورت رسیده است (همان، ج ۴، ص ۱۱۱ و ۱۱۲). بنابراین میان سه رکن فعل ارادی، رابطه علیت برقرار است که آن را می‌توان به شکل زیر در نظر گرفت: (۱) فاعل یا مبدأ اراده؛ (۲) اراده به‌عنوان عنصر تعیین‌بخش؛ (۳) مراد، یعنی آنچه با تعلق گرفتن اراده به آن پدید می‌آید. قاعدهٔ سنخیت میان علت و معلول امکان این را می‌دهد که با شناخت هریک از این ارکان در یک فعل ارادی خاص، بتوان دربارهٔ دو رکن دیگر با ملاحظهٔ جهت علی به استنتاج پردازیم؛ مثلاً



#### ۹-۱۰. امام خمینی

است در انسان نیز اراده در اولویت اول قرار دارد؛ یعنی هرکس در وجود خود شک کند باید برای دفع آن بگوید: من می‌خواهم پس وجود دارم؛ یعنی اراده فرد بر انجام کاری، نشان‌دهنده وجودش است (الفاخوری و جر، ۱۳۶۹، ص ۵۵۱). همچنین غزالی در جای دیگر اشاره می‌کند که اراده امکان می‌دهد امری از میان امور دیگر انتخاب شود؛ چراکه خداوند مطلق است و اگر امری را اراده کند بدون آنکه سببی جز خود اراده باشد، آن تحقق پیدا می‌کند؛ چراکه اگر جز این بود، اراده مطلق معنایی نخواهد داشت (غزالی، ۱۳۷۷، ص ۴۲).

نکته مهمی که در بحث کلامی اراده باید ذکر کرد آن است که بین اراده الهی با اراده انسان از جهاتی، از جمله بی‌نیاز بودن از لوازم، مطلق و نامحدود بودن، تفاوت وجود دارد. تحقق اراده انسان در خارج، نیازمند وجود لوازمی از جمله تصور، تمایل، رغبت و تصمیم بر اجرای آن و مهم‌تر از همه، منوط به اذن خداوند دانسته شده است؛ درحالی که اراده خداوند به دلیل احاطه و علم او نیازمند هیچ‌یک از این امور نیست (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۶ ص ۱۸۸ و ۱۸۹). از سوی دیگر اراده از آثار علم و قدرت محسوب می‌شود و انسان‌ها دارای علم و قدرت محدودی هستند؛ بنابراین اراده آنها نیز محدود خواهد بود. اما علم و قدرت خداوند نامحدود است؛ از این‌رو مشیت او نیز مطلق و نامحدود خواهد بود (همان، ص ۱۹۱).

#### ۱۲. اراده در ساحت علم اصول فقه

اندیشمندان علم اصول اراده را یکی از صفات نفس می‌دانند که به ایجاد یا ترک فعلی تعلق می‌گیرد و دارای مقدماتی، از جمله مرحله تصور است؛ یعنی انسان ابتدا چیزی را تصور کرده و سپس بررسی می‌کند که آیا فایده و مصلحتی دارد یا نه؛ بعد از تصدیق فایده آن، به آن تمایل پیدا می‌کند و به دنبال آن، هیجانی در نفس او پیدا شده و در پایان، حالت نفسانیه‌ای به نام «اراده» برای وی پدید می‌آید که از آن به «شوق مؤکد» تعبیر کرده‌اند (مشکینی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۲۳).

#### ۱۳. اراده در ساحت تعلیم و تربیت

در ساحت تعلیم و تربیت، استعانت از عبادات و تزکیه نفس مهم‌ترین راه تقویت همت و اراده است. عباداتی که از طرف خداوند برای انسان واجب شده، دقت در نماز، روزه و... نشان می‌دهد که

اراده را همچون عزم، تصمیم و قصد، از افعال نفس برمی‌شمارد و آن را همچون شوق و محبت که از امور انفعالی هستند، نمی‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱). ایشان اراده را از مقولات مشکک می‌داند که تمام هستی از آن برخوردارند (همان، ص ۶۱۲)؛ بنابراین هر موجودی از انسان تا خداوند، به تناسب مرتبه وجودی خودش، از اراده بهره‌مند می‌شود (همان، ص ۶۱۳). در مرتبه افعال اختیاری، انسان صاحب اراده تشریحی است، یعنی اراده‌ای که با برانگیختن امیال موافق (واجبات و مستحبات) و پیروز شدن در برابر امیال معارض (محرمات و مکروهات) می‌تواند توانایی قدرت تکوینی را افزایش داده و موجب ظهور و قدرت اراده تکوینی شود. اراده تکوینی یعنی مرتبه‌ای که خداوند متعال از آن برخوردار است (الهداشتی، ۱۳۸۶).

#### ۱۰-۱۰. آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی در کتاب *مراحل اخلاقی در قرآن* اراده را مبتنی بر سه رکن علم به مراد، کمال بودن مراد برای مرید و در اختیار نبودن مراد برای مرید می‌داند. وی حقیقت اراده را طلب مقفود در نظر می‌گیرد که دارای دو قسم است: ۱. اراده‌ای که زمینه سلوک را فراهم می‌کند و ۲. اراده‌ای که زمینه صدور را فراهم می‌کند. هنگامی که فرد در میانه راه سلوک است و اراده رسیدن به مقصد را می‌کند، اراده وی زمینه سلوک را فراهم می‌کند؛ اما زمانی که به مقصد می‌رسد، اراده‌اش منشأ صدور می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۹).

#### ۱۱-۱۰. علامه مصباح یزدی

ایشان اراده انسان را یک جوهر نفسانی می‌داند و کاربرد آن را در سه حوزه دوست داشتن، تصمیم گرفتن بر انجام کار و تصمیم مبتنی بر ترجیح عقلانی در نظر می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۹۵).

#### ۱۱. اراده در ساحت علم کلام

اراده در ساحت علم کلام، اغلب در رابطه با خداوند متعال مطرح بوده است؛ به‌طور مثال، غزالی اراده را نخستین تجلی ذات حق دانسته، لذا معتقد است نخستین تجلی ذات الهی در عالم کائنات اندیشه نیست؛ بلکه اراده است که از آن به لفظ «کُن» تعبیر شده است. او معتقد

حاکی از وجود شش مؤلفه توانایی روانی، مهار خود، میل و گرایش، توانمندی رفتاری، تصمیم‌گیری و رفتار هوشمند دارد؛ که می‌توان آنها را در سه بعد شناختی، هیجانی و رفتاری جای داد. درحالی‌که مفهوم اراده از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، دارای چهار مؤلفه علم، میل و گرایش، ترجیح و تصمیم‌گیری است. همان‌طور که مشخص گردید، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مورد اختلاف، علم است. اندیشمندان اسلامی تأکید دارند که علم سبب اصلی صدور فعل است و زمانی که انسان علم به نفع و سودمندی یک عمل پیدا می‌کند، اراده انجام آن را می‌کند؛ اما روان‌شناسان تمرکز خود را روی نوعی توانمندی شناختی، نظیر استعداد ذهنی گذاشتند. از طرف دیگر، روان‌شناسان به بعد رفتاری اراده دقیق‌تر پرداخته‌اند؛ آنها سه مؤلفه توانمندی، تصمیم‌گیری و هوشمندی رفتار را برای این بعد از اراده در نظر گرفته‌اند. یعنی رفتار ارادی، رفتاری هوشمند است که براساس افکار اخلاقی و به‌منظور اهدافی خاص و به‌صورت پویا حاصل می‌شود. اما نکاتی وجود دارد که به نظر می‌رسد در هیچ‌یک از این دو دیدگاه مطرح نشد؛ اولین نکته آن است که اراده به هر دو جنبه سلبی و ایجابی اشاره دارد، جنبه ایجابی آن، توانایی اراده اعمال خوب و مطلوب است؛ به‌طور مثال، فردی که به موفقیت‌های علمی، شغلی و اجتماعی دست پیدا می‌کند، در بسیاری از موارد از خواسته‌هایی که او را به این اهداف نمی‌رسانده، چشم‌پوشی کرده است؛ بنابراین اراده انجام امر مطلوب، مستلزم اراده ترک امری نامطلوب یا ناسازگار با هدف است. این دویعدی بودن اراده در نظریات اندیشمندان و روان‌شناسان دیده نشد. نکته دیگری که باید به آن پرداخته شود آن است که اراده از جمله امور تشکیکی است که هر فرد به تناسب توانمندی‌های خود، مرتبه‌ای از آن را داراست. هر قدر این اراده در راستای اراده خالق خود باشد، اثر آن بیشتر و هر قدر از آن دورتر باشد، اثر کمتری خواهد داشت. از همین روست که یکی از مهم‌ترین روش‌ها جهت تقویت اراده، عمل به دستورات و آموزه‌های شرع است که اراده انسان را در راستای اراده خلدوند قرار می‌دهد.

لحظه‌لحظه آن، یک تمرین اراده و همت است. در حقیقت این افراد ضعیف‌النفس و دارای اراده ضعیف هستند که نمی‌توانند عبادات را به‌جا آورند و به بهانه‌های مختلف از آن روی برمی‌گردانند. انسان با تقوا و دارای تزکیه نفس، قدرت تسلط بر نفس خود را بالا می‌برد و این به معنای اراده است (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷۵).

برای دستیابی به مفهوم اراده از منظر اندیشمندان مسلمان، تعریف اراده از منظر آنها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت؛ حال به‌منظور مقایسه آن با مفهوم اراده از منظر روان‌شناسان، لازم است به عناصر و مؤلفه‌های هریک از تعاریف دست پیدا کرد. اولین مؤلفه شناسایی شده، علم است که دو عنصر علم مسبب صدور فعل (شیرازی، ۱۳۲۰، ص ۵۶۹) و اعتقاد به نفع و سودمندی فعل (ایبجی، ۱۳۲۵، ج ۸، ص ۸۲) را دربر می‌گیرد. مؤلفه دوم، میل و گرایش است که شامل سه عنصر میل حاصل شده از اعتقاد به منفعت چیزی (سبزواری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۶۴۸)، شوق برطرف کردن نقصی در وجود خود (ابن‌رشد، ۱۴۲۱ق، ص ۴۲) و محرک انسان به اقدام پس از تصور منفعت (انوری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۰۸) است. مؤلفه سوم، تصمیم‌گیری است که شامل عنصر تصمیم و عزم بر انجام فعل یا عمل (صدرالمتألهین، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۱۴) است و مؤلفه چهارم، ترجیح است که منظور از آن، صفتی نفسانی است که مریخ یک طرف همراه با علم می‌گردد (سبزواری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۶۴۷).

براساس این مؤلفه‌بندی که در سه بعد شناختی، گرایشی و رفتاری دسته‌بندی می‌شود؛ حوزه معنایی اراده در بین اندیشمندان مسلمان با این موارد مشخص می‌شود: ۱. علم؛ به معنای آنکه اراده ناشی از علمی است که سودمندی به و منفعت یک طرف تعلق می‌گیرد و سبب صدور فعل می‌شود. ۲. میل و گرایش؛ پس از علم به منفعت یک طرف، میل و شوق در کسب آن و بهره‌مندی از آن منفعت در انسان حاصل می‌شود. ۳. تصمیم‌گیری و ترجیح؛ همراه با علم و شوق به یک طرف، انسان ترجیح می‌دهد که یک طرف را انتخاب کرده و تصمیم به انجام فعلی مطابق با آن می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، مقایسه مفهوم اراده، مبتنی بر نظریات روان‌شناسان و مفهوم اراده مبتنی بر نظریات اندیشمندان مسلمان بود. آنچه از جمع‌بندی اراده مبتنی بر نظریات روان‌شناسان به دست آمد

حجتی، سیدمحمدباقر، ۱۳۷۳، *روان‌شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی*، چ هشتم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حق شناس، علی محمد و دیگران، ۲۰۰۵، *فرهنگ معاصر هزاره*، تهران، فرهنگ معاصر.

خمینی، سیدحسن و همکاران، ۱۳۹۸، *تحریر الاختیار: شرحی بر رساله طلب و اراده امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

رپر، آرتور اس و همکاران، ۱۳۹۰، *فرهنگ روان‌شناسی توصیفی*، ترجمه یوسف کریمی، تهران، رشد.

رفیعی هنر، حمید، ۱۳۹۵، *روان‌شناسی مهار خویشتن با نگرش اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

ساعتچی، محمود، ۱۳۹۳، *فرهنگ روان‌شناسی*، تهران، معین.

سبزواری، ملاهادی، ۱۴۱۷ق، *شرح المنظومه*، تصحیح و تعلیق حسن حسن‌زاده آملی، تهران، ناب.

سلیمانی، فاطمه، ۱۳۸۴، «بررسی اراده انسان از دیدگاه متکلمین و فلاسفه اسلامی»، *حکمت سینوی*، ش ۳۰ و ۳۱، ص ۷۷-۵۴.

شولتز، دوان. پی و سیدنی الن شولتز، ۱۴۰۰، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ چهل و پنجم، تهران، ویرایش.

شیرازی، قطب‌الدین، ۱۳۲۰، *درة التاج لغرة الدجاج*، کوشش و تصحیح سیدمحمد مشکوة، تهران، چاپخانه مجلس.

صدرالمآلهین، ۱۴۱۰ق، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

\_\_\_\_\_، ۱۴۲۸ق، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، چ دوم، قم، طلیعه نور.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۵۸، *تمهید الاصول*، ترجمه عبدالحسین مشکوة‌الدین، تهران، انجمن حکمت و فلسفه.

طوسی، نصیرالدین، ۱۴۰۳ق، *شرح الاشارات و التنبیها*، چ دوم، تهران، نشر کتاب.

غلابی رحمانی، فاطمه و زینب سالاری، ۱۳۹۳، «تأثیر خانواده، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت انسان از منظر امام علی»، *پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه*، سال دوم، ش ۵، ص ۸۳-۱۰۴.

غزالی، ابوحامد، ۱۳۷۷، *تهافت الفلاسفة*، تصحیح سلیمان دنیا، مصر، دارالمعارف.

الفاخوری، حنا و خلیل الجر، ۱۳۶۹، *تاریخ فلسفه در جهان اسلام*، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، زمان.

فارابی، محمد، ۱۳۷۱، *مسائل متفرقة*، تحقیق و مقدمه جعفر آل‌یاسین، تهران، حکمت.

\_\_\_\_\_، ۱۳۸۴، *السیاسة المدنیة*، به کوشش فوزی متری نجار، بیروت، دار و مکتبه الهلال.

فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۸۵، *ایضاح الکفایه*، چ پنجم، قم، نوح.

فیست، جس و همکاران، ۱۳۹۵، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، روان.

## منابع.....

ابن‌رشد قرطبی، محمدبن احمد، ۱۴۲۱ق، *تهافت التهافت*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن‌سینا، حسین‌بن عبدالله، ۱۳۶۳، *ترجمه شرح اشارات و تنبیهات*، نگارش حسن ملک‌شاهی، تهران، سروش.

\_\_\_\_\_، ۱۴۰۳ق، *اشارات و التنبیهات*، تهران، دفتر نشر کتاب.

\_\_\_\_\_، ۱۴۱۱ق، *التعلیقات*، به کوشش عبدالرحمن بدوی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

\_\_\_\_\_، ۱۹۷۳م، *التعلیقات*، تحقیق ابراهیم مدکور و دیگران، قاهره، الیهیئة المصریة العامه للکتاب.

الهداشتی، علی، ۱۳۸۶، «اراده خدا (جل جلاله) با تکیه بر آرای امام خمینی»، *اندیشه نوین دینی*، ش ۳ (۹)، ص ۳۲-۹.

اسکینر، بی. اف، ۱۳۹۱، *فراسوی آزادی و ثنآن*، ترجمه علی‌اکبر سیف، چ دوم، تهران، دوران.

اسماعیلی، محسن، ۱۳۸۹، *همت و اراده*، چ دوم، تهران، شهر.

امیری، لیلا، ۱۳۹۶، *پیش‌بینی علائم اختلال اضطراب فراگیر براساس نیروی اراده، صبر و عدم تحمل بلاتکلیفی با واسطه‌گری ویژگی‌های شخصیت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، شیراز، دانشگاه شیراز.

انوری، حسن، ۱۳۸۲، *فرهنگ بزرگ سخن*، چ دوم، تهران، سخن.

ایچی، میرسیدشریف، ۱۳۳۵، *شرح المواقف*، تصحیح بدرالدین نغسانی، قم، شریف‌الرضی.

بامستر، روی و جان تایرنی، ۱۳۹۷، *قدرت اراده باز کشف بزرگ‌ترین توانایی انسان*، ترجمه امیر حافظی‌خواه، تهران، سایلان.

برنجکار، رضا، ۱۳۸۴، «انتخاب و ولایت از دیدگاه ملاصدرا و اسپینوزا»، *انجمن معارف اسلامی*، سال اول، ش ۴، ص ۶۱-۴۳.

برونو، فرانک، ۱۳۸۴، *فرهنگ توصیفی روان‌شناسی*، ترجمه فرزانه طاهری و مهشید یاسائی، تهران، ناهید.

بوعمارن، ۱۳۸۲، *مسئله اختیار در تفکر اسلامی و پاسخ معتزله به آن*، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران، هرمس.

بونژه، ماریو و روبن آردیلا، ۱۳۹۹، *فلسفه روان‌شناسی و نقد آن*، ترجمه محمدجواد زارعان و همکاران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

تهانوی، محمدعلی، ۱۹۹۶م، *موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم*، شرح رفیق عجم، تحقیق عبدالله خالدی و دیگران، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.

جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۴، *روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی*، تهران، سمت.

\_\_\_\_\_، ۱۳۷۷، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

\_\_\_\_\_، ۱۳۸۰، *مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن*، تهران، سمت.

جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، *فرهنگ توصیفی انجمن روان‌شناسی آمریکا* APA، تهران، ارس.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۷، *مراحل اخلاق در قرآن*، قم، اسراء.

کاملی، سیده فاطمه، ۱۳۸۸، *بررسی تطبیقی اراده و اختیار انسان از دیدگاه امام خمینی* و علامه طباطبائی، پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، قم، دانشگاه قم.

کندی، یعقوب، ۱۳۶۹، *رسائل*، قاهره، دارالفکر العربی.

مارشال ریو، جان، ۱۳۸۶، *انگیزش و هیجان*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش.

مشکینی، علی، ۱۳۷۱، *اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها*، چ پنجم، قم، الهادی.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۰، *آموزش فلسفه*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

—، ۱۳۷۸، *معارف قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیه.

موحد ابطحی، سیدمحمدتقی، ۱۳۹۰، «اراده گرایی، به مثابه مبنایی برای علم دینی در نظریه فرهنگستان علوم اسلامی»، *معرفت کلامی*، سال اول، ش ۴، ص ۱۷۹-۲۰۸.

موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۶۲، *طلب و اراده*، تحقیق سیداحمد فهری، تهران، علمی و فرهنگی.

—، ۱۳۷۹، *لمحات الاصول*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. می، رولو، ۱۳۹۵، *عشق و اراده*، ترجمه سپیده حبیب، تهران، دانژه.

هرگنهان، بی. آر، ۱۳۸۹، *تاریخ روان شناسی*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران.

Freud, Sigmund, 1938, *General Introduction to Psychoanalysis*, trans Joan Riviera, New York, Garden City Publishing Co.

Kross, E., & Mischel, W, 2010, "From stimulus control to self-control: Toward an integrative understanding of the processes underlying willpower", in R. R. Hassin, K. N. Ochsner, & Y. Trope (eds.), *Self control in society, mind, and brain*, Oxford University Press.

Kruglanski, A. W., & Köpézt, C, 2010, "Unpacking the self-control dilemma and its modes of resolution", in R. R. Hassin, K. N. Ochsner, & Y. Trope (eds.), *Self control in society, mind, and brain*, Oxford University Press.

*Merriam-Webster's Advanced Learner's English Dictionary*, 2008, Springfield, Massachusetts, Merriam-Webster.

Mischel, W., & Ayduk, O., 2004, "Willpower in a cognitive-affective processing system: The dynamics of delay of gratification", in R. F. Baumeister & K. D. Vohs (Eds.), *Handbook of self-regulation: Research, theory, and applications*, The Guilford Press.

Niemiec, C. P., Ryan, R. M., & Deci, E. L., 2010, "Self-determination theory and the relation of autonomy to self-regulatory processes and personality development", in R. H. Hoyle (ed.), *Handbook of personality and self-regulation*, Wiley-Blackwell.

Robert P. Knight, 1946, "Determinism, Freedom, and Psychotherapy", *Psychiatry*, N. 9:3, p. 251-262.

Sasson, R, 2009, *Willpower and Self-Discipline*, Copyright from www.successconsciousness.com.

Sekhar Sripada, C, 2010, "Philosophical Questions about the Nature of Willpower", *Philosophy Compass*, N. 5, p. 793-805.

Wertenbroch Klaus, Vosgerau Joachim and Bruyneel Sabrina, 2008, "Free Will, Temptation, and Self-Control: We must believe in free will, we have no choice", *Journal of Consumer Psychology*, N. 27-33, p. 7218.

Mischel, W., Shoda, Y., & Peake, P. K., 1988, "The nature of adolescent competencies predicted by preschool delay of gratification", *Journal of Personality and Social Psychology*, N. 54, p. 687-696.